



عظیم العلماء الغزالی عظیم العلماء عظیم العلماء عظیم العلماء

شیره ای

مطلوب و کارآمد

در تدریس متن

عربی

شفیقہ عباداللہی

رویکرد جدید آموزش زبان عربی و توجه ویژه کتاب‌های درسی به فهم متون، به تدریج تغییر روش‌های تدریس را به دنبال داشته است. از این رو یکی از برنامه‌های ویژه‌نامه زبان عربی ارائه روش‌های تدریس و بهره‌گیری از تجربیات و توانمندی‌های دبیران ارجمند است. در این شماره مقاله سرکار خانم شقیقه عباداللهی را که از دبیران فعال آموزش و پرورش رباط کریم هستند، جهت استفاده همکاران تقدیم می‌کنیم. با امید به این که همکاران و خوانندگان مجله نیز تجربیات آموزشی خود را برای درج در مجله ارسال کنند.

بر کسی پوشیده نیست که آشنایی با زبان عربی برای هر ایرانی از ضروریات است و حتی کسانی که به بهانه‌های مختلف سعی در کم رنگ کردن این ضرورت دارند، نمی‌توانند به کلی این نیاز را به یکباره انکار کنند.

هدف غایی آموزش زبان عربی بالا بردن قدرت درک و فهم دانش‌آموزان در قرائت عبارات و متون دینی و دریافت صحیح معنای آن‌هاست. به طوری که اگر دانش‌آموز پس از اخذ دیپلم با یک متن دینی یا جمله‌ای از آیات، احادیث و ادعیه معصومین (علیهم‌السلام) مواجه شود، آن را به درستی بخواند و حداقل بفهمد که این متن یا این عبارت درباره چیست؟

خوشبختانه و به رغم وجود برخی کاستی‌ها، کتاب‌های جدید التالیف عربی متوسطه به لحاظ آموزش متون دینی چه در قالب داستان‌های قرآنی و حکمی و چه در قالب آیات، احادیث و ادعیه پربارند. نیز در آموزش نکات کلیدی در ترجمه جمله‌های عربی قابل قبول است. هرچند هنوز هم به نظر می‌رسد، مباحث صرفی و نحوی باید بیش از پیش کم‌رنگ شوند و به حاشیه بروند. رسالت دبیران عربی در تدریس این کتاب‌ها بسیار سنگین است. دبیر عربی باید در کلاس درس به گونه‌ای عمل کند که دانش‌آموز تصور نکند که می‌خواهند به بهانه این درس یک مشت قواعد صرفی و نحوی به او تحمیل کنند؛ زیرا تا زمانی که این نگرش در میان فراگیران ما وجود داشته باشد، امر آموزش زبان عربی با بن بست مواجه خواهد شد.

ایجاد انگیزه و علاقه مندی به این درس تا حد زیادی برعهده دبیران محترم عربی است و هیچ عاملی چون برخورداری از روش تدریس مطلوب و جذاب نمی‌تواند دانش‌آموزان را به این درس علاقه‌مند کند. مهم‌ترین بخش کتاب‌های عربی متون، عبارت‌ها و جمله‌هایی است که در قالب تمرین به دانش‌آموز ارائه می‌شود. معلمان گرامی مبحث قواعد را بهتر است در نهایت اختصار بیان

کنند و بیش تر وقت کلاس را به آموزش متون و توضیح آن صرف کنند.

روال معمول میان بسیاری از دبیران عربی آن است که ابتدا مباحث صرفی بخش قواعد هر درس را تدریس کنند و سپس به متون و حل تمرین‌ها بپردازند. اما روش مطلوب‌تر آن است که درس عربی را از شرح و توضیح متن آغاز کنند و در این راه از تمثیل که شیوه‌ای قرآنی و بسیار مؤثر است، بهره‌جویند. رمز تأثیرگذاری کلام وحی و نفوذ آن تا اعماق وجود شنونده آشنا به زبان عربی (چه مسلمان و چه غیر مسلمان) در بهره‌گیری از تمثیلات بجا و دلنشین است. کم‌تر غزلی از حافظ می‌توان یافت که در آن از تمثیل (البته به صورت اشاره، تلمیح و ایهام) استفاده نشده باشد و راز جاودانگی این کتاب مقبول خاص و عام در همین است. مولانا جلال‌الدین بلخی نیز اساس مثنوی خویش را بر تمثیل نهاده است؛ زیرا کتاب گران‌قدر مثنوی یک کتاب آموزشی و ترجمانی از قرآن است. مولوی به خوبی دریافته بود که بهترین روش برای آموزش مفاهیم عالی و انتزاعی عرفانی و قرآنی، تمثیل است....

این مقدمه نسبتاً طولانی برای یک مقاله، شاید اطناب باشد لیکن اطنابی ضروری و لازم برای ورود به بحث است.

در کتاب‌های درس عربی همه دوره‌های تحصیلی هیچ متن و جمله‌ای از آیات، احادیث و ادعیه را نمی‌توان یافت که درباره آن نتوان داستانی گفت و دانش‌آموز را با معنای آن درگیر کرد. امروزه روش آموزش الفبای زبان‌ها را به دانش‌آموزان با بهره‌گیری از تمثیل و شعر و حتی موسیقی به نحو مؤثری انجام می‌دهند و نوآموزان را با این ابزار به درس و مدرسه علاقه‌مند می‌کنند. چرا در آموزش زبان عربی که زبان مقدس دین ماست، از این ابزار استفاده نکنیم. به مصداق ضرب‌المثل معروف «ما لا یتُرک کله»، لا یتُرک کله و نیز:

آب دریا را اگر نتوان کشید

هم به قدر تشنگی باید چشید

لازم است، از ممکن‌ترین و قابل قبول‌ترین این ابزارها یعنی

«تمثیل» استفاده کنیم.

حقیقتاً در انتخاب درسی که بخواهیم در اینجا مطرح کنیم، مانده‌ام. زیرا همه متون و بسیاری از عبارت‌ها و جمله‌هایی که در قالب تمرین ارائه شده‌اند، در حد خود زیبا و دلنشین هستند و برای آموزش هریک از آن‌ها می‌توان از تمثیلی مناسب بهره برد. کتاب عربی سوم علوم انسانی را می‌گشایم. درس اول آن در ارتباط

باید گفت؟!

آیا بافنده نمی‌توانست همین مطلب را به شکل دیگری هم بگوید؟!

قرآن مجید برای ادب سخن گفتن اهمیت بسیار قائل است. بالأخص اگر طرف صحبت ما پدر و مادر باشند. پدر و مادری که خداوند متعال پس از خود، اطاعت آن‌ها را بر ما لازم و واجب کرده است و می‌فرماید: «و بالوالدین احساناً»

و در جایی دیگر می‌فرماید:

«و لا تقل لهما أفَ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً كريماً»

و «و لا تنازروا بالألقاب، بس الاثم الفسوق بعد الايمان»

در این درس ما با گوشه‌هایی از گفتگوی حضرت ابراهیم (ع) آشنا می‌شویم. هدف قرآن از بازگویی این گفتگوها فقط بیان تاریخ انبیا نیست بلکه عبرت‌گیری و درس‌آموزی ما نیز مورد نظر حق تعالی بوده است. مقام پدر و مادر چه در زمان حضرت ابراهیم (ع) و چه پیش از آن و چه امروز و فردا، همیشه عزیز و ارجمند است. اگر امروز حرمت پدر و مادر را نگاه داریم، یقیناً فردا مورد احترام فرزندانمان خواهیم بود؛ عکس آن نیز صادق است:

نقل است که مردی از راهی می‌گذشت. پیرمردی را دید که به دست جوانی کتک می‌خورد و جوان قصد دارد او را خفه کند، مرد عابر، پیرمرد را از دست جوان نجات داد و جوان را ملامت کرد و قصد داشت او را ادب کند. اما پیرمرد فریاد زد: ای مرد عابر، ره‌ایش کن. او فرزند من است. به خدا سوگند اگر سی سال پیش در چنین روز و ساعتی از این‌جا می‌گذشتی، می‌دیدي که همین رفتار را من با پدرم داشتم.

زندگی انبیای الهی سرمشق و الگوی انسان‌های خداجو و مؤمن است. بیاید با هم ببینیم که طرز سخن گفتن حضرت ابراهیم (ع) با عموی بت‌تراش و بت‌پرستش که نسبت به او سمت پدری داشت، چگونه بوده است؟

۳. اکنون زمینه لازم را برای توجه دانش‌آموزان به مفاهیم آیات قرآنی فراهم کرده‌ام و دانش‌آموزان مشتاقانه مرا همراهی خواهند کرد. لذا، ابتدا لغات متن را بر روی تخته سیاه می‌نویسم و آن‌ها را معنی می‌کنم. سپس یک بار با تلفظ صحیح از روی آن می‌خوانم. اگر در میان دانش‌آموزان کسی که از صدای خوبی بهره‌مند است، باشد و تلاوت و تجوید قرآن را بدانند از او می‌خواهم آیات درس را تلاوت کند.

به هنگام تدریس متن ممکن است، لازم باشد توضیحاتی به شرح زیر در پاسخ سؤالات دانش‌آموزان داده شود:

۱. منظور از کتاب، قرآن است.

۲. لم: مخفف «لماذا» است.

۳. علت فراوانی مقدم بودن سمع بر بصر در قرآن چیست؟

۴. «علم لدنی» که پیامبران از آن برخوردار بودند و تفاوت

آن با علم حصولی یا اکتسابی چیست؟

۵. ابلیس و علت نافرمانی او از فرمان خداوند و آفت خود

بزرگ‌بینی و قیاس چیست؟ معلم باید قبلاً اطلاعات کافی در

این حصول کسب کند.

دانش‌آموز ممکن است در مورد اعجاز قرآن سؤال کند و

این‌که معجزه بودن قرآن تا چه حد صحت دارد. در این صورت

معلم نباید از این سؤال ناراحت شود و واکنش منفی نشان دهد؛

بلکه به صورت مستدل و محکم پاسخ دهد؛ زیرا پاسخ‌های

سطحی تأثیر بسیار بدی خواهد گذاشت. ضمن این‌که اعتماد

دانش‌آموز به معلم را سلب خواهد کرد. خواندن چند کتاب در

ارتباط با وجوه اعجاز قرآن و کسب اطلاعات کافی در این مورد

به وسیله معلم، کلاس درس عربی را برای دانش‌آموزان بسیار

لذت‌بخش خواهد کرد.

توضیح لغات:

در این درس لغاتی وجود دارد که توضیح بیش‌تری می‌طلبند:

- رَعِبَ: اگر این فعل با حرف جر «عن» به کار رود، به معنای

«روگردان شد» خواهد بود.

- أبت: که به صورت‌های «أبتي»، «أبتا»، «أبی»، «أبتاه» به

کار می‌رود و همه به یک معنا هستند.

- صراط: تفاوت آن با «طریق».

پس از اتمام این توضیحات، از چند دانش‌آموز می‌خواهم

که هر کدام یکی دو مورد از آیات را بخوانند. تا زمانی که مطمئن

نشده‌ایم همه دانش‌آموزان به درستی متن را روخوانی می‌کنند،

نباید وارد بحث بعدی شویم.

همان‌طور که در آغاز این مقاله گفته شد، مباحث صرفی و

نحوی نسبت به متون، فرع به اصل تلقی می‌شوند و هدف از

تدریس آن‌ها فهم بهتر متون است. لذا پس از تدریس متن به

طور خلاصه و مفید مباحث و قواعد هر درس را با بهره‌گیری از

ابزارهای کمک آموزشی مناسب و بالأخص گچ رنگی تدریس

می‌کنیم و به حل تمرین‌های مربوطه می‌پردازیم.

اما در تمرین‌های هر درس گاه به آیات، احادیث، ادعیه و

یا اشعاری برمی‌خوریم که شایسته است به راحتی از کنار آن‌ها

عبور نکنیم. در تمرین‌های این درس نیز هدف غایی شناخت

مبتدا و خبر یا فعل و فاعل و مفعول نیست بلکه هدفی والاتر مورد نظر است و آن فهم معانی متعالی نهفته در قالب الفاظ است؛ عبارت‌هایی نظیر:

- الله يختص برحمته من يشاء

- الصبر من الرحمن والعجلة من الشيطان

- المؤمنون يستمعون القول و يتبعون أحسنه (همین معنا اگر در ذهن دانش‌آموز رسوخ یابد سعادت او در دنیا و آخرت تأمین شده است).

- جزى الله الشدائد، كل خير...

- فی ازدياد العلم إرغام العدى... (بیت معروف فردوسی که می‌گوید:

توانا بود هر که دانا بود... ناظر بر همین معناست.)

شاید به نظر بیاید که یک معلم عربی با این ساعات محدود چگونه می‌تواند از عهده بیان همه این مطالب برآید؟ حقیقت مطلب این است که با توضیح و تبیین این مسایل، به دانش‌آموز کمک کرده‌ایم که عمیقاً به متون دینی توجه کند و به آن علاقه‌مند شود. تجربه‌ای که اینجانب در تدریس عربی دارم، نشان داده است که با همین وقت محدود هم می‌توان چنین طرح‌هایی را اجرا کرد و حتی برای درگیر کردن بیش‌تر دانش‌آموزان با مفاهیم درس می‌توان آن‌ها را دنبال مطالعه آزاد و تهیه مقاله در خصوص موضوعات مختلف فرستاد.

در خاتمه ضمن آرزوی توفیق برای همه همکاران ارجمند، بار دیگر متذکر می‌شوم که «تمثیل» سلاح مؤثری است که هر معلمی باید بدان مسلح‌اشد؛ چه معلم عربی و چه معلم ریاضیات و فیزیک و...

تَعَلَّمُوا
العربية

تَعَلَّمُوا
العربية

تَعَلَّمُوا
العربية